

عنوان مقاله:

گسترش‌پذیری واژه‌بست‌های مطابقه در گزاره‌های تک‌مفعولی کردی اردلانی (نظریه فاز)

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان شناسی و گویش های خراسان، دوره 11، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

روزینا رنجبر - دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

بهرام مدرسی - استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه فاز به‌عنوان آخرین دستاورد برنامه کمینه‌گرا در جهت بهینه ساختن محاسبات و اقتصاد اشتقاق زبانی مطرح شده است. چامسکی برای اطمینان از کاهش بار محاسباتی حافظه معتقد است که اشتقاق ساخت‌های زبانی بر مبنای عملکرد فازهای مختلف انجام می‌شود و هر ساخت نحوی در یک فاز مشخص شکل می‌گیرد. به اعتقاد وی فازها باید تا حد امکان کوچک باشند تا بارحافظه کاهش یابد. در این نظریه، اشتقاق نحوی ساخت‌های زبانی به‌صورت مرحله به مرحله انجام می‌شود و پس از کامل شدن هر فاز، اشتقاق حاصل به دو سطح صورت آوایی و صورت منطقی جهت خوانش آوایی و معنایی منتقل می‌شود و در نهایت براساس شرط نفوذناپذیری چامسکی (2000)، تنها هسته فاز و مشخص‌گرهای آن برای ادامه محاسبات قابل دسترسی خواهند بود. بسیاری از زبان‌شناسان بر این باورند که فرآیندهای نحوی ادغام و مطابقه از شرط نفوذناپذیری فاز تبعیت می‌کنند. از آنجائی که نظام واژه‌بست افزایشی ضمیری اغلب در طول تاریخ با نظام مطابقه مورد در ارتباط بوده اند، لذا نویسندگان این مقاله برآنند تا شیوه میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها را در زبان کردی اردلانی بر اساس نظام مطابقه مطالعه کنند. در این مقاله با بررسی داده‌های زبان کردی اردلانی و توصیف و تحلیل نظری میزبان‌گزینی واژه‌بست‌های مطابقه در آن نشان خواهیم داد که تبیین مطابقه‌ای واژه‌بست‌ها با اصل شرط نفوذناپذیری فاز در ارتباط است.

کلمات کلیدی:

گسترش‌پذیری واژه‌بست، گزاره‌های تک‌مفعولی، نظریه فاز، مطابقه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1178291>

